

# ترس



■ ترس و لرز  
 ■ سورن کی‌یر کگور  
 ■ عبدالکریم رشیدیان  
 ■ نی، ۱۳۷۸

● بخشعلی قنبری

این کتاب در یک مقدمه، یک پیشگفتار و سرآغاز و با عناوین: مدیحه برای ابراهیم مسایل، پیشگفتار، مساله یکم، مساله دوم، مساله سوم، پایان سخن و یادداشتها به چاپ رسیده است.

## تحلیل محتوای ترس و لرز

ترس و لرز در واقع آینه وجود زندگی و آمال و اهداف سورن کرکگور است. کگور که پس از پشت سر گذاشتن وقایعی به این نتیجه رسید که ایمان می‌تواند ناممکن‌ها را ممکن سازد، در صدد برآمد تا همچون پدر ایمان؛ ابراهیم، به تجربه آن در زندگی بپردازد. کگور ایمان را از همه چیز بزرگ‌تر می‌داند و ابراهیم را از آن جهت بزرگ می‌داند که به نیروی ایمان دست یافته است. او البته با کمال تواضع اعلام می‌داشت که ایمان بهره‌ای ندارد هر چند که عشق را آزموده باشد، اما ایمان از عشق برتر است و از این جهت بر این اعتقاد است که اگر به قدر کافی ایمان داشته باشیم، اگر براستی شایسته ابراهیم پدر ایمان باشیم، آری می‌توانیم با رگینا ازدواج کنیم؛ می‌توانیم از او صرف‌نظر کنیم و به برکت معجزه فهم‌ناپذیر خداوند او را به من بازپس خواهد داد؛ این ازدواج برای من ممکن خواهد بود، همان گونه که برای ابراهیم ممکن بود فرزندی را که از او صرف‌نظر کرده بود دوباره باز یابد<sup>۱</sup>

کگور در این اثر که به تعبیر هیرش (Hirsch) دشوارترین اثر کگور است که در آن بیش از هر اثر دیگر

آسمان کهن به صورت آسمانی نو و زمینی نو دوباره متولد می‌شوند. باشد که خداوند جهان متناهی و زمان را با غنایی افزون‌تر به من بازگرداند که نبردم با زمان به پیروز ختم گردد.<sup>۴</sup>

کگور به نحوی می‌خواست حیات ظاهراً پارادوکسیکال ابراهیم را هم در مقام عمل تحقق بخشد و در نوشته‌هایش بویژه در ترس و لرز آن را به تصویر بکشاند. بنابراین ترس و لرز کوششی است بی‌ثمر برای آری گفتن به واقعیت، با عبور از خداوند، برای وادار ساختن لطف الهی به (یفای همان نقش در حوزه اخلاق که الهام نزد مالبرانش در حوزه متافیزیک بازی می‌کند: کگور می‌گوید: «من نمی‌توانم به نیروی خودم کم‌ترین چیزی از جهان محدود [را] به دست آورم.»<sup>۵</sup>

ترس و لرز در عین اینکه به موضوع اصلی ایمان پرداخته است از جنبه‌های انتقادی نیز غافل نبوده است. این اثر در واقع اولین و مهم‌ترین اثری است که در آن به فلسفه سیستماتیک هگل ایراد کرده و آن را به نقد کشیده است. از دیدگاه او حقیقت و هویت انسان در فردانیت او نهفته است، در حالی که فلسفه هگل با نظام‌مند کردن هستی اختیار و اراده و آزادی را از انسان می‌ستاند و او را همچون جزئی از یک سیستم قرار می‌دهد که هیچگونه اختیاری از خود نداشته بلکه مجبور است همان برنامه‌ای را اجرا کند که از پیش برای او تعریف شده است؛ جزو است و در اداره یک سیستم تنها نقش یک ابزار را ایفا می‌کند. جهان در فلسفه هگل از انسان جدا نیست و انسان هم از جهان هستی جدا نیست و چون آدمی علم و آگاهی به این وضع پیدا کند و خود را جزئی وابسته به آن بیابد خود را یافته است

اما چون این علم به جهل مبدل شود. از خودبیگانگی آغاز می‌شود. این در حالی است که کگور انسانیت انسان را در فاکتور و عامل و کارگر بودن می‌داند و معتقد است که فلسفه هگل این آزادی عمل را از آدمی می‌ستاند. او یک اگزیستانسیالیست است لذا فردیت و شخصیت و تاثیرگذاری و آزادی برایش بسیار مهم است. کگور، زندگی، ایمان و آزادی را یک انتخاب می‌داند. دین هم موضوعی برای انتخاب است و زمینه‌گزینش او را فراهم می‌سازد یعنی او باید دین را برگزیند. کگور روند ایمان آوردن و انتخاب یک دین را چنین شرح می‌دهد: «من به خودم می‌گویم: من انتخاب می‌کنم. آن واقعه تاریخی به قدری برای من مهم است که حاضرم برای آن جان خود را به خطر بیاندازم (فرمایش مسیح هم این موضوع را تأیید می‌کند، زیرا می‌فرماید: اگر کسی از تعلیمات من پیروی نماید، یعنی مطابق آن زندگی کند، به حقیقی بودن آن پی خواهد برد. یعنی قبل از عمل کردن دلیلی برای آن وجود ندارد و حتی قبول تعالیم او نمی‌تواند باعث اطمینان (شود) وقتی تعلیم را قبول می‌کنیم و طبق آن زندگی می‌نماییم و زندگی خود را برای آن به خطر می‌اندازیم، در آن موقع حقیقت آن ثابت می‌شود. در ابتدا دلایلی در دست نداشتیم تا بر اساس آنها ایمان بیاوریم و بر طبق آنها زندگی کنیم، موضوع کاملاً برعکس است.»<sup>۶</sup>

کگور در تمام حوزه‌های زندگی؛ ازدواج، نامزدی، ایمان و حتی شناخت خدا انتخاب را موضوع اصلی

به هر وسیله‌ای در سرگردان کردن خواننده کوشیده است،<sup>۲</sup> در صدد برآمد تا تجربه اقبال خود به ایمان ابراهیمی را به تصویر بکشد، اما او این کار را از زبان ابراهیم و با توضیح اعمال او بیان کرده و در عین حال کتاب خود را به نام مستعار یوهانس دو سلنیتو نسبت داده است.

این کتاب در واقع می‌خواهد از ایمان تصویری آرایه کند و به خواننده بقبولاند که خود نمی‌تواند بداند که برگزیده است، بلکه آن را با اضطرابی در مقابل این پرسش حس خواهد کرد. پاسخ در خود پرسش، در اضطرابی است که در روح فرد به طنین می‌افتد و ترس و لرز تماماً پرسشی است از این گونه، پرسشی مضطربانه و همان گونه که یک نیایش رخ می‌دهد.<sup>۳</sup>

می‌توانیم کل اثر کگور را، اگر آن را همچون نیایش در نظر بگیریم، به زبان حقیقی‌اش ترجمه کنیم. کگور می‌گوید ای کاش می‌توانستم شیطانی نباشم. باشد که خداوند به من اجازه دهد اندیشه‌ام از بی‌واسطگی، پخته را تحقق بخشم، زمان را براریم متوقف کند و ناممکن را ممکن سازد، یعنی این دختر همان گونه که اول بار او را دیدم همان باشد که به همسری خود درمی‌آورم؛ و خودم همان بمانم که بودم، آن قدر جوان که پس از ترک بخواهم، آن قدر جوان که مدام طراوت لحظه‌ی نخست را باز یابم، که همیشه در خودم همان شدت را برای انجام این حرکت حفظ کنم، این حرکت آغاز مجدد و تصدیق مجدد که به برکت آن زمین کهن و

می‌داند و بر این باور است که شناخت خدا، موضوع اصلی انتخاب است و این انتخاب باید با «ترس و لرز» انجام شود. بطور خلاصه «مسیحیت درجایی شروع می‌شود که هگل کار خود را به پایان می‌رساند» اما حتی در اینجا هم دین می‌تواند خطرناک باشد، زیرا ممکن است در انسان نوعی رضایت سطحی ایجاد کند و نگذارد که خود را بی‌قید و شرط به لطف الهی تسلیم نماید و بدین طریق مانع از برآورده شدن عمیق‌ترین احتیاجات انسان به کمک خدا شود.<sup>۷</sup>

ترس و لرز در واقع ترجمان زندگانی سورن کرکگور است و با بیان داستان زندگی ابراهیم از یک سو به تبیین نظریه ایمانگرایی خود پرداخته و از سوی دیگر به لحاظ روانشناختی و ایمانی زندگی خود را به تصویر کشانده است. ابراهیم که قهرمان اصلی داستان این کتاب است در واقع نقش کگور را هم ایفا می‌کند. در موارد زیادی از این کتاب کگور نظرات و اعمال خود را از زبان قهرمانان داستان ذکر کرده است. حتی در مواردی داستان عشق نا کام خود نسبت به رگینا را بیان می‌کند هر چند که نامی از خود و رگینا به میان نمی‌آورد. «پسر جوانی عاشق یک شاهزاده خانم [رگینا] می‌شود و این عشق همه محتوای زندگی او را تشکیل می‌دهد، با این همه اوضاع به گونه‌ای است که این عشق نمی‌تواند تحقق یابد، نمی‌تواند از ایده‌آل به واقعیت تبدیل شود»<sup>۸</sup>

**ایمان و ابراهیم**

کگور در ترس و لرز بارها از ابراهیم به عنوان پدر ایمان یاد می‌کند و به تحلیل روانشناختی ایمان و اعمال ایمانگرایانه ابراهیم پرداخته است و داستان کتابش را چنین آغاز می‌کند: روزگاری مردی بود که به هنگام کودکی داستان زیبای ابراهیم را شنیده بود که چگونه خداوند او را آزمایش کرد و او چگونه به این آزمون پاسخ گفت، ایمان خویش نگاه داشت و برای دومین بار برخلاف هر انتظاری صاحب پسری شد...<sup>۹</sup> کگور به انحای مختلف ابراهیم را الگوی آرمانی خود می‌داند و همیشه آرزوی دیدار او را در سر می‌پروراند، اما با این وجود خود را از دستاورد او (ایمان او) می‌داند: «هرچه بزرگ‌تر می‌شد اندیشه‌اش بیش‌تر مجذوب این داستان می‌شد، شورش افزون و افزون‌تر می‌شد، با این همه کم‌تر و کم‌تر قادر بود این داستان را درک کند. سرانجام به واسطه علاقه‌اش به این داستان همه چیز را از یاد برد: روحش تنها یک آرزو داشت و آن دیدار ابراهیم بود، یگانه رویایش این بود که شاهد آن رویداد عظیم بوده باشد... سودایش این بود که آنان را در سفر سه روزه‌شان درحالی که ابراهیم سوار بر استر، با اندوهش در پیش و با اسحاق در کنارش می‌راند، همراهی کند»<sup>۱۰</sup>

کگور نه تنها آرزوی دیدار ابراهیم را داشت، بلکه درصدد تحقق تجربه زندگی او برآمد و خواست تا

آنچنان که او زیسته بود کگور هم همانگونه بزید و آن ایمانی زیستن بوده است هر چند که کگور متواضعانه خود را محروم از آن می‌دانست. کگور بررسی ایمان را از حوزه علم، فلسفه و سایر معارف بشری خارج می‌داند و معتقد است آنها نباید شرحی از ایمان ارائه کنند، بلکه باید آدمیان آن را درک کنند.<sup>۱۱</sup> او ایمان را یک پارادوکس می‌داند که تنها مومن از عهده حل آن برمی‌آید این پارادوکس در واقع اشاره به یک نامعقول است و البته در دیدگاه وی به معنای یک تمایز میان سایر تمایزات که درک و فهم آن را محصور و گنجانیده است، نمی‌باشد بلکه به معنای غیرمحمول غیرمترقبه و پیش‌بینی نشده نیز نیست. آن لحظه‌ای که قهرمان تسلیم شد، نسبت به غیرممکن بودن متقاعد گشت یعنی از جنبه انسانی، این نتیجه درک و ذهن بود و او برای فکر کردن به این امر توان کافی داشت.<sup>۱۲</sup> از دیدگاه کگور تسلیم به نامتناهی، آخرین مرحله پیش از ایمان است، به طوری که هرکس این حرکت را انجام نداده باشد از ایمان برخوردار نخواهد بود، زیرا تنها در تسلیم نامتناهی است که اعتبار جاودانه من برای من هویدا می‌گردد و تنها در آن صورت می‌توان از چنگ زدن به هستی یا اتکای به ایمان سخن گفت.<sup>۱۳</sup>

از دیدگاه کگور ایمان از جایی آغاز می‌شود که اندیشه و علم و عقل پایان می‌یابد به چیزی که از راه اندیشیدن به دست بیاید نمی‌توان ایمان ورزید.<sup>۱۴</sup> کگور علاوه بر مساله ایمان، اعمال ایمانگرایانه ابراهیم را با توجه به اوج اعتماد او به خدا از چشم‌اندازهای مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد بویژه این اعمال را از نقطه نظر اخلاقی مورد ارزیابی قرار می‌دهد و با وجود اینکه کارهای ابراهیم را به لحاظ اخلاقی قابل توجیه نمی‌داند اما چون از زاویه دیگر به عملکرد ابراهیم نظری افکنده شود در آن صورت اگر با ابراهیم بتوان همدلی به وجود آورد کار ابراهیم یک امر قابل قبول و توجیه خواهد بود و چندان ایرادی به آن وارد نخواهد شد بلکه مطمئناً یک امر قابل پذیرش و عین معنای ایمان و اعتماد خواهد بود و ایمان کاری جز این نیست.

**دریاری ترجمه حاضر**

کتاب حاضر دومین ترجمه از اثر تعزل دیالکتیکی کگور؛ ترس و لرز است. بی‌شک چون دومین تجربه در این مورد است بی‌شک انتظارات خواننده هم می‌تواند به تبع اقدامات انجام شده پیرامون کگور و آثارش بالا رود چه از این نویسنده دانمارکی تاکنون دو کتاب و مقالات بسیاری به فارسی ترجمه شده است و همین امور دست مترجم حاضر را باز کرده و توانایی او را دو چندان نموده است.

گو اینکه مترجم نیز از این انتظارات و توقعات آگاه بوده است و از این جهت الحق والانصاف باید گفت که ترجمه حاضر با ترجمه پیشین قابل مقایسه نیست.

ترجمه حاضر با سبکی شیوا و روان و دقیقاً فارسی است و خواننده با وجود صعب بودن نوشتارهای کگور هرگز آن سختی را در هنگام مطالعه نخواهد داشت و به سهولت می‌تواند به مراد نویسنده پی برد.

با این وجود راقم این سطور از پیشنهاد این نکته ناگزیر است که اگر مترجم محترم برای استفاده بیشتر خواننده مختصری از زندگانی کگور و شرح و توضیح برخی اصطلاحات و مطالب وی ارائه می‌کرد قطعاً خواننده را مفید می‌افتاد. چه، اغلب آثار کگور اینگونه توضیحات را لازم دارد.

در پایان نگارنده مطالعه این کتاب را برای تقویت ایمان، تلقی دیگری از آن مفید می‌داند و برای کسانی که در زمینه فلسفه اگزیستانسیالیسم و کگورشناسی به مطالعه می‌پردازند مطالعه این ترجمه نیکو را توصیه می‌کند.

**پی‌نوشت‌ها:**

- ۱- ترس و لرز، ص ۱۰.
- ۲- همان، ص ۱۱.
- ۳- ترس و لرز، ص ۱۴.
- ۴- همان، ص ۲۳.
- ۵- همان، ص ۲۶.
- ۶- کالین براون، فلسفه و ایمان مسیحی، ترجمه طاطه‌وس میکائیلیان، ص ۱۲۹.
- ۷- همان، ص ۱۲۸.
- ۸- ترس و لرز، ص ۶۷.
- ۹- همان، ص ۳۵.
- ۱۰- همان، ص ۳۵.
- ۱۱- ترس و لرز، ص ۹۲.
- ۱۲- ترس و لرز، ص ۱۱۰.
- ۱۳- همان
- ۱۴- همان، ص ۱۹.

کتاب ترس و لرز بنا به نوشته مترجم بر پایه‌ی سه متن زیر انجام شده است:

- 1) Fear and Trembling and the sickness unto Death: by soren Kierkegaard: translated with Introductions and ivotes by walter lowrie Princeton University Press, Princeton New Jersey, Third Printing 1970.
- 2) Soren Kierkegaard: Fear and Trembling; Dialectical lyric by Johannes de Silentio; Translated with an Introduction by Alastair Hannay; Penguin Books 1985.
- 3) S. Kierkegaard; Crainte et Tremblement, lyrique Dialectique Par Johannes de Silentio; Traduit du Danois Par P- H Tisseau, Introduction de Jean Wahl; Aubier 1984.